



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۵/۱۰/۰۸

داکتر ص. سعیدی

بحران رهبری

ما در افغانستان و اکثر کشور های عقب مانده که از دیموکراسی، آزادی و آزادی مطبوعات و آزادی شخصی و انفرادی ابتدالاش را از خود کرده و رهبران اکثر پراشوتی، وابسته به اجانب و در موارد زیادی ما را فریب دادند و در هر متر فروختند و یک مرتبه که، بلند شان کردیم، دیگر میل به پایین آمدن نداشتند و ندارند و اگر تلاش پایین آوردن شان کنیم، آنرا مساوی به خراب کردن همه دار و ندار میدانند!

لذا تصادفی نیست که بحران رهبری وجود دارد و این چندی از عوامل آند که ما به رهبر و زعيم باور نداریم و در مورد شان متزلزل ایم!

علت عدم وجود برنامه کاری نجات شات که ایشان را از دیگران ممتاز و به مقام رهبری میرساند، نیز از مشاگل ماست!

اگر بررسی، چرا وی رهبر و چرا کسی دیگر نباشد که برنامه و چیری برای گفتن دارد، جواب مقنع وجود ندارد و یا طفره میروند! این حالت با تأسف در کشورهای عقب مانده عمام و رهبر یعنی همان رهبر و زعيم و رئیس میراثی و نسلی، عملاً اساس شده هست و این سخت مشکل ساز هست که ضرورت وجود حزب و سازمان حتی برنامه محور را مورد سؤال قرار میدهد!

یکی از مشخصات بسیار بزرگ و حتمی رهبر و پیشوا داشتن توانایی رفتن به قربانب، ایثار و جان فشانی هست که به صورت یقین و قرار تجربه در وجود این مدعیان رهبری و زعامت دیده نه شده و در وقت حساس، تصمیم گیر، ماهیت خورد و کوچک بودن خود را صد فیصد به نمایش گذاشته آند!

اگر مشخصه ایثار و جان فشانی را برای رهبر و پیشوایان لازم میدانیم تا در عقب چنین زعامت استاده شویم باید جانب عملی شان را درین استقامت به نحوی ثابت کنند! باید باوری شد، کسیرا که در عقب شان با چانفشان استاده بودیدم، خود جانفشانی و ایثار دارد!

اکثر ایثار کلمه زیبایی با این مختصر گوینده مفهوم بس وسیع هست، رهبران افغانی چنین ایثار را داشتند؟ اگر ایثار انتخاب و اولویت دادن منافع و مصالح دیگر، دیگران و در بخش رهبری، منافع و مصالح مجموعه و کلکتیف و وطن، بر منافع و مصالح خویش باشد، آیا ما چنین رهبران داشتیم و یا از ایشان سراغ داریم و آیا ایشان را آزموده ایم؟

اگر ایثار عمل است در اوج اخلاق، وقتی کسی در دو راهی انتخاب منفعت خود و انتخاب منفعت دیگران به حیث مجموعه قرار بگیرد، ایثار گر منافع متعهد به خدمت به دیگران و یا جامعه را ارجهیت میدهد! آیا چنین اوصاف و انتظارات را از رهبران دور و پیش خود داشته میتوانیم؟

آیا این مدعیان زعامت و رهبریت، لذت، خوشبختی دیگران / ملت و کشور را در صورت تقابل به لذت و خوشبختی خویش اولویت داده آند؟

بلی یکی از همان محک های رهبری که اول در حین فکر بر راه نجات از بحران موجود، باید به برنامه و نسخه سازنده و زنده عملی متمرکز شد، بعد در مورد انتخاب مجری شایسته و بعد از شایستگی مسلکی توانایی مسلکی و اعتقاد شان بر جستجوی دوا مدار سیاست مدرن گادزی، و با بکار گیری میکانیز مدرن دولتی قرن بیست و یکم، همه روز به تکمیل افکار خویش رفت و ارزشهای جامعه را بهتر بالاش و تربیت کرد!

هر گونه افراط و تفریط و تلاش به جان زدن و عدم صداقت، برای ناظر امروز نتایج خوب ندارد و قابل تفکیک اند!

رهبری و زعامت به دشنام، توهین و تحقیر دیگران و بلند تراشی خود نمی شود! افغانستان تاریخ پر افتخار و با زعامت دارد! افتخارات ارانی، با بلخ، بخدی، هرات و کندهارا و ... افتخارات و عزت همه مردمان این خطه هست که توسط ایران سیاسی امروز با تبلیغات تحریف کننده تصاحب شده! هیچ یک از این افتخارات دلیل برای توهین و تحقیر کتله دیگری و جانب دیگر این ارزشهای معنوی منطقه اند، ندارد! این رهبر نما ها و مشاوران استخباراتی شان یکی به نمایندگی خود خوانده یک قوم و زبان و دیگر را از خرد شان به نمایندگی قوم و زبان دیگر، رول میدهند تا این نفرت ها را چاق و شرارت پیشگی کنند! نباید به این فریب و اغواگریهای شان افتاد! ملت افغان به بی عدالتی های حال و گذشته نه گفته ولی درین بحث ها و استدلال متعفن و دلیل آنها را که موجب فتنه شود، نیز نمی پذیرند! بلی ایشان بدون صلاحیت و فضولانه افتخارات هزار ها سال مشترک این مرز و بوم را که در آن شهرهای مهم افغانستان بس مهم بودند، حال به پخش دشنام و نفرت به آدرس یگدیگر کشانده شده و رهبران قومی و زبانی مطرح شوند و شیوا ها، یاور ها و پدramها و سایر کثافات از آن بهره برداری کثیف قومی و زبانی، و استفاده سوء می کنند!

رهبران شایسته باید توان تشخیص قربانی و رفتن به قربانی را داشته و بدانند که رهبر تولد نه شده و ابدی رهبر نه خواهند بود! معذرت خواهی از اشتباه، دلیل لازمی بازگشت از آدرس قبلی به قدرت سیاسی نیست! اکثر خود را بزرگ، بزرگ کردن و پروتوکل دیروز وزارت، ولایت و ریاست را برای خود خواستن، سخت تهوع آور هست!

همه یک شهروند و یک رأی بابد در قانونیت و ایجاد حاکمیت مشروع متداول تعهد و عمل داشتن اساس است! نفیه دیگران به زورسرنیزه و یا تشکیل حاکمیت میراثی و عدم دقت به نتایج انتخابات ... همه و همه عوامل حالت بی اعتمادی بزرگ بر زعامت و عدم کارا بودن نظام و ساختار سیاسی معین بود و هست که نباید کل ارزش منتفی شود!

در جوامع بشری تجارب مثبت وجود دارند که باید در انطباق به شرایط کشور به تطبیق پرداخت و از بک جای باید آغاز کرد.

و من الله التوفیق

داکتر ص. سعیدی

۲۰۲۵/۱۰/۸

۰۰۴۴۷۸۸۶۴۷۴۶۳۸